

دزدان حرفوی

استقبال از "خر نامه" میرزاده عشقی با مطلع:

درداو حسرتا که جهان شد به کام خر
زد چرخ سیفله، سکهء دولت به نام خر

افسوس، صد افسوس که وطن شد بیکام دزد
ترک وطن نموده هزاران، زدام دزد
"از بسکه آسمان وزمین سیفله پرورند"
زد دهر دون سکهء دولت به نام دزد
دزدان ونوکران، وزیران دولت اند
یا رب! تابه کی بُود، این احتشام* دزد؟
"روزی که جلسء وزرا منعقد شود"
مجلس شود شغالی، از ازدحام دزد
دزدان سرورند* و!! از اینرو به ملک ما
دارند عده یی، ارادتِ محکم، به نام دزد
دزدان وکیل ملت و حکام کشورند
زین بیشتر چه میطلبید، از مقام دزد؟
دزدان ما، صاحب قدرت به میهن اند
پس لازم است تا همه داریم، احترام دزد!!

گردد مستدام، حکومت دزدان به مملکت
تا غربیان لزوم بدانند، دوام دزد
قتل و قتالِ عام به هرسوی کشورم
برپاست از قدم، خواص و عوام دزد
در غیبت غنی، چو کرسی بُود کفیل
این حیلَه گر لایق، قایم مقام دزد
آگاه ز ارتباط، دزدان کسی نشد
با طالبان و داعشیان، و زمرام دزد
ای حیدری ز چه کردی ترک، کشورت؟
ز آنرو که در حیات نگشتم، غلام دزد
امروز، روز قدرت دزدان حرفویست
فردا زمان دزد گُشی و انتقام دزد

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۷، ۱۲، ۲۰۱۶، سدنی، آسترالیا

* احتشام- حشمت و بزرگی، جاه و جلال یافتن

سرور- رئیس، پیشوا، سرپرست

فرهنگ فارسی عمید